

نقش ترکیه در تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان

نگارنده‌گان: دکتر رحمت حاجی مینه*

شیرین تاجیک**

چکیده

ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌یی و عضو ناتو، نقش فعالی در تحولات افغانستان در سال‌های اخیر ایفا کرده است. در واقع پس از حمله ائتلاف با رهبری امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱، ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو در حوزه غیرنظامی در افغانستان فعال بوده و پس از خروج امریکا و ناتو، تلاش کرده است تا نفوذ خود را در این کشور حفظ کند. در این راستا، پرسش اصلی تحقیق این بوده است که نقش ترکیه در تحولات افغانستان چه بوده است؟ این تحقیق با استفاده از روش کیفی و کاربرست نظریه نقش، انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: نقش ترکیه در افغانستان علی‌رغم تغییر روش‌ها و ابزارهای هم‌کاری، مبتنی بر حفظ نفوذ ترکیه در این کشور به‌عنوان نشانه‌یی از مؤلفه‌های قدرت منطقه‌یی ترکیه و ابزاری برای چانه‌زنی‌های سیاسی با غرب، خصوصاً امریکا بوده است.

واژه‌گان کلیدی: نقش ترکیه، تحولات سیاسی و امنیتی، افغانستان.

* استادیار روابط بین الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانش‌گاه/ پوهنتون آزاد اسلامی، تهران، ایران (r.hajimineh@gmail.com)

** دانش‌آموزتخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌یی، دانش‌کده/ پوهنځی بیمه اکو، دانش‌گاه/ پوهنتون علمه طباطبائی، تهران، ایران (tajikshirin9191@gmail.com)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License ثبت می‌باشد.



ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441



Ghalib

Received: 12/ 12/ 2022

Accepted: 16/ 03/ 2023

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V40.I1.5>

Turkey's role in Afghanistan's political and security developments

Authors: Dr. Rahmat Hajimineh (Ph.D)* 
Shirin Tajik** 

Abstract

Turkey, as a regional power and NATO member, has played an active role in Afghanistan's developments in recent years. In fact, after the US-led coalition attacked Afghanistan in 2001, Turkey has been active as a NATO member in the civilian sphere in Afghanistan, and after the withdrawal of the US and NATO, it has tried to maintain its influence in this country. In this regard, the main question of the article is, what has been the role of Turkey in the developments of Afghanistan? This research has been done using the qualitative method and the application of role theory. The hypothesis of the thesis is based on the fact that Turkey's role in Afghanistan has fluctuated based on the role model between developer (as a member of NATO) and mediator (as an independent actor in the peace process) based on the internal situation of Afghanistan and external conditions. In addition, the findings of the research show that Turkey's role in Afghanistan, despite changing the methods and means of cooperation, is based on maintaining Turkey's influence in this country as a sign of Turkey's regional power components and a tool for political bargaining with It has been the West, especially US.

Key words: Role of Turkiye, Foreign Policy & security, Afghanistan.

* Assistant Professor of International Relations, Department of Communication and Social Sciences, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (r.hajimineh@gmail.com)

** Master's Degree in Regional Studies, Eco Faculty, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (tajikshirin9191@gmail.com)

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License



۱. مقدمه

ترکیه یک بازیگر منطقه‌یی و بین‌المللی فعال است، که با ظهور حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، هم‌واره به دنبال تثبیت خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌یی در آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان، خاورمیانه و مدیترانه بوده است. هم‌زمان با تغییر وضعیت بین‌المللی پس از جنگ سرد و در پاسخ به نیازهای جدید منطقه‌یی و بین‌المللی، سیاست خارجی آن نیز تغییر کرده است؛ اگرچه ترکیه برای ایفای نقش نظامی در کنار ناتو وارد افغانستان شد؛ اما مشارکت غیرنظامی ترکیه در افغانستان اهمیت بیش‌تری داشت و بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت. پروژه‌های بازسازی ترکیه به ساختار کشور افغانستان مانند ارزش‌ها، فرهنگ و مذهب افغانستان توجه داشته و هرگز در جنگ نیابتی در افغانستان شرکت نکرده است.

حزب عدالت و توسعه، با سیاست نگاه به شرق، توجه بیش‌تری به افغانستان داشته است. این کشور جدا از سیاست‌های قبلی خود در افغانستان، در تلاش است تا نقش و نفوذ خود را در افغانستان گسترش دهد. با آغاز گفت‌وگوهای صلح افغانستان، دولت افغانستان و طالبان برای اولین بار گرد هم آمدند تا به چهار دهه جنگ پایان دهند. در این زمان نقش بازیگران منطقه‌یی و غیرمنطقه‌یی بسیار مهم بود. در این تحقیق نقش ترکیه در افغانستان از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در چهارچوب تیوری نقش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ باین‌حال، ترک‌ها اهدافی را در افغانستان از طریق استراتژی‌های توسعه و حلّ مناقشه دنبال می‌کردند. بررسی وضعیت دقیق ترکیه در افغانستان باتوجه به جای‌گاه منطقه‌یی ترکیه و وضعیت افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. در این راستا کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده‌اند از جمله:

کنان بایرام چوبوک (۲۰۱۴) پایان‌نامه‌یی درباره «نقش ترکیه در افغانستان در دوران پس از ۱۱ سپتامبر» نوشت. در این تحقیق تلاش شده است به این سوال که آیا سیاست ترکیه در قبال افغانستان با فرهنگ امنیتی جدید توسعه یافته، که بر ابزارهای قدرت نرم و میانجی‌گری متکی است و با دگرگونی‌های سیاست ایالات متحده/ ناتو در این کشور، هم‌خوانی دارد یا خیر، پاسخ داده شود. «روی‌کرد منطقه‌یی ترکیه به منازعه افغانستان» گزارشی است که توسط شابان کارداش (۲۰۱۳) نوشته شده است. نویسنده فقط به نشست‌هایی که آنکارا در اپریل ۲۰۰۷ برگزار کرده اشاره می‌کند. ترکیه میزبان هفت اجلاس سه‌جانبه بوده است، که محل مهمی برای برقراری ارتباط مستقیم بین رهبران افغانستان و پاکستان بوده است. مهمت یلدیز (۲۰۱۳) در مجله علوم اجتماعی دانش‌گاه تراکیا مقاله‌یی به زبان ترکی نوشت. نویسنده در این مقاله معتقد است که روند دولت‌سازی در افغانستان نمونه عینی برای محافل اکادمیک است که مدت‌ها در مورد این موضوع بحث و تحلیل کرده‌اند.

فرایند دولت‌سازی در هر دو حوزه قدرت نرم و قدرت سخت، و استفاده ترکیه از قدرت نرم را تحلیل می‌کند. هم‌چنین پایان‌نامه «نقش ترکیه در بازسازی افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۱)» توسط آکین کریم (۲۰۱۲) نوشته شده است، که هدف اصلی‌اش بررسی نقش ترکیه در روند بازسازی افغانستان بوده است، که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اشغال شده بود.

چنگیز اوزل (۲۰۱۸) رساله دکتری خود را با موضوع «استراتژی قدرت نرم ترکیه در بازسازی افغانستان» نوشته است. نویسنده در این پایان‌نامه به اهمیت تبدیل شدن ترکیه به کشوری به‌عنوان الگوی ساختار سکولار و مدرن اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که ترکیه نمی‌خواهد کشورهای دوست و برادر را در زمینه قدرت نرم تنها بگذارد. هم‌چنین «استراتژی ترکیه پس از طالبان در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۵)» توسط امید حسین طاهری نوشته شده است. نویسنده استراتژی ترکیه در افغانستان را پس از طالبان توضیح می‌دهد؛ چنان که دیده می‌شود، هیچ‌کدام از تحقیقات پیشین، نقش ترکیه را در تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان با تأکید بر پروسه صلح این کشور، بررسی نکرده است؛ لذا این تحقیق، پاسخ‌گوی این نیاز است.

برجسته‌ترین هدف این پژوهش بررسی دو نقش توسعه‌گری و میانجی‌گری در سیاست خارجی ترکیه در قبال افغانستان است.

سوال اصلی این است که: نقش ترکیه در تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان چیست؟

این تحقیق براساس هدف، بنیادی - نظری، براساس تحلیل داده‌ها کیفی، و براساس نقد داده‌ها، تحلیلی - توصیفی است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: نقش ترکیه در افغانستان علی‌رغم تغییر روش‌ها و ابزارهای هم‌کاری، مبتنی بر حفظ نفوذ ترکیه در این کشور به‌عنوان نشانه‌یی از مؤلفه‌های قدرت منطقه‌یی ترکیه و ابزاری برای چانه‌زنی‌های سیاسی با غرب، خصوصاً آمریکا بوده است.

۲. پیشینه روابط ترکیه و افغانستان

مردم افغانستان و ترکیه از گذشته تا امروز، تاریخ مشترکی داشته‌اند. نزدیک‌بودن و زنده‌گی در جاده تاریخی ابریشم در حوضه زبان، فرهنگ و اعتقادات و داشتن ریشه‌های مشترک، به‌عنوان دو ملت برادر، هم‌واره در طول تاریخ در بخش‌های گسسته‌یی از تاریخ هم‌بسته‌گی داشته‌اند (فضلی، ۱۳۸۵: ۵۹)؛ اگرچه افغانستان و ترکیه همسایه نیستند؛ اما روابط تاریخی و فرهنگی بسیار قوی بین دو کشور وجود دارد (Özli, 2012: 44).

از سال ۱۷۴۷، زمانی که حکومت افغانستان برای اولین بار تأسیس شد، تا حمله شوروی به افغانستان در ۲۴ دسمبر ۱۹۷۹، روابط ترکیه و افغانستان باوجود فاصله جغرافیایی، حتا در سخت‌ترین

زمان‌ها، خوب بوده است؛ اگرچه روابط گاهی اوقات کاهش یافته است؛ اما ترکیه در سال‌های اخیر، سعی کرده روابط خود را با افغانستان حفظ کند و علاوه بر حمایت سیاسی، تا حد امکان، کمک‌های نظامی، آموزشی، بهداشتی و اقتصادی نیز ارائه کند (خلیل، ۲۰۰۲: ۲۷۶). روابط دوستانه، سنتی و تاریخی مردمان دو کشور که با منافع عمیق و خدشه‌ناپذیر همراه بوده است، به پیوند و ارتباطات طولانی مردمان دو سرزمین بر می‌گردد؛ باین‌حال، ترکیه در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به تحولات افغانستان داشته است (Kaya, 2013: 23).

در قرن بیستم استقلال افغانستان و مبارزات ملت ترک در این دوره، وضعیت دو کشور را به یک‌دیگر نزدیک کرد؛ بنابراین، از یک‌سو هم‌دلی رهبران با یک‌دیگر و از سوی دیگر مبارزه هم‌زمان برای استقلال و مقدمات اصلاحات، دو کشور را به هم نزدیک‌تر کرد؛ پس از تأسیس جمهوری ترکیه، ترکیه سهم قابل توجهی در نوسازی افغانستان داشت؛

در حالی که در سال ۱۹۳۰ به درخواست نادرشاه، ترکیه اساتیدی را به افغانستان فرستاد، به‌ویژه در رشته‌های پزشکی، حقوق و علوم سیاسی و در بهبود روابط کوشید (Özli, 2012: 46). جمال پاشا برای به رسمیت‌شناختن افغانستان در عرصه بین‌المللی تلاش کرد. جمال پاشا و مصطفی کمال پاشا معتقد بودند که باید ارتش قوی در منطقه ایجاد شود (ATASE, ATAZB, Özli: 2012: 33)؛ زیرا بریتانیا در هند می‌تواند مدت زیادی از آناتولی دور بماند. مصطفی کمال پاشا به اهمیت ایجاد یک سازمان نظامی قوی در افغانستان از این طریق اشاره کرد. با اشاره به اهمیت کمک نظامی به کشور و آموزش ارتش افغانستان (Atatü k'ün Millî r Dış Politikası, 1981).

موافقت‌نامه دوستی و همکاری ترکیه و افغانستان پس از توافق‌نامه گیومری، دومین توافق‌نامه مهمی است که دولت آنکارا در عرصه بین‌المللی امضا کرده است (Gönlübol, 1990: 20). در اول مارچ ۱۹۲۱ معاهده دوستی بین افغانستان و ترکیه امضا شد (ATASE, İSH. K: 1083, G:10, B:10-1;) (Özli, 2012: 33).

می‌توان گفت روابط دو کشور در دوران جنگ سرد به‌خوبی گذشته نبود. دلیل از بین رفتن روابط مستحکم بین افغانستان و ترکیه در این مدت، ممکن است این باشد که ترکیه در جنگ سرد به محور غرب و پاکستان پیوست؛ اما افغانستان بی‌طرف ماند (Weekly Analysis- Issue Number 89, 2014: 7).

۳. چهار چوب نظری

نظریه نقش، اولین بار در دهه ۱۹۷۰ در تحلیل سیاست خارجی ظهور کرد (Holsti, 1970: 245). نظریه نقش ابزار مناسبی برای تبیین تغییرات در سیاست خارجی بازیگران است. این نظریه فرض

می‌کند که سیاست خارجی دولت‌ها براساس برداشت از نقش سیاست خارجی آن‌ها شکل می‌گیرد، که در چهارچوب محیطی متأثر از عناصر مختلف سیاست‌های داخلی و بین‌المللی بیان می‌شوند. نظریهٔ نقش، پیوندی بین کارگذار و ساختار در روابط بین‌الملل ایجاد می‌کند. کارگذار به‌عنوان تصمیم‌گیرندهٔ سیاست خارجی بوده و ساختار بین‌المللی را هدایت می‌کند؛ سیستمی که می‌تواند هم فرصت‌ها و هم محدودیت‌هایی ایجاد کند: مواقعی وجود دارد که کارگذاران، فرصت کافی برای نفوذ و تغییر ساختار نظام بین‌الملل را دارند. در مواقع دیگر، عوامل، فرصت کمی برای تغییر شکل نقش‌های قبلی دارند. نظریهٔ نقش به‌طور مرکزی به این تعامل بین کارگذار و ساختار می‌پردازد (Breuning, 2011: 16). نماینده‌گان یا افرادی که به‌صورت انفرادی یا گروهی کار می‌کنند، در نهادهای اجتماعی و فرهنگی دولت ایفای نقش می‌کنند، که آنان را به‌عنوان تصمیم‌گیرنده‌گان سیاست خارجی معرفی می‌کند. دیدگاه کشورها نسبت به جهان توسط آن نهادها شکل گرفته است. این عوامل از سیستم ساختار بین‌المللی استفاده می‌کند و می‌تواند فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را ارائه دهد. پتانسیل نظریهٔ نقش برای کمک به بحث در مورد ساختار و کارگذار همیشه روشن نبوده است. تحقیقات اولیه اغلب بر روشی متمرکز بود، که نظام بین‌الملل دولت‌ها را مجبور می‌کند نقش یا نقش‌های خاصی را برعهده گیرند (Holsti, 1970: 245-6). نظریهٔ نقش ارتباط نزدیکی با نظریه‌های ساختاری روابط بین‌الملل دارد (Waltz, 1959, Breuning, 2011: 17). یک رابطهٔ قوی بین «درک نقش ملی رهبران سیاسی و رفتار سیاست خارجی ملت‌ها» وجود دارد (Wish, 1980: 549).

تفاوت‌های عمیق و قابل‌توجهی در الگوهای رفتاری دولت‌های بزرگ و کوچک وجود دارد (East, 1973: 576)؛ هم‌چنین تفاوت در «توانایی عمل»، منجر به تفاوت در رفتار سیاست خارجی کشورها می‌شود. اندازهٔ یک دولت، بینشی را در مورد رفتار سیاست خارجی آن فراهم می‌کند. از یک طرف، اندازه به راحتی به‌عنوان یک متغیر ساختاری تشخیص داده می‌شود. اندازه، موقعیت یک کشور را در سلسله‌مراتب جهانی قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های متوسط و کشورهای کوچک تعیین می‌کند (Neack, 1995: Breuning, 2011: 18).

نقش‌ها با هویت‌ها هم مرتبط هستند. «نقش‌ها به افراد حسّ هویت پایداری می‌دهند» (Chaffetz, 1996: 733). هویت ارزش دارد؛ زیرا چیزی درونی‌تر از یک نقش را در مورد بازیگر تعریف می‌کند؛ هم‌چنین ادعا می‌شود که هویت‌ها به نقش‌ها معنا می‌دهند؛ زیرا بازنمایی بین‌ذهنی نقش است، که هویت نقش نامیده می‌شود (Wendt, 1999: 184)؛

بنابراین، هویت‌ها و نقش‌ها را باید سازنده دید. از منظر نظریهٔ نقش، افراد موقعیت‌های اجتماعی خاصی را به‌خود اختصاص می‌دهند و در ایفای نقش مستمر در تعاملات اجتماعی با آن‌ها

هم‌ذات‌پنداری می‌کنند؛ همانند هویت‌ها، تعریف نقش‌ها تا حدی که رفتار بازیگران را مکانیزه کند غیرممکن است (Hollis and Smith, 1990; Nabers, 2011: 82).

در صحبت از نقش و هویت پیوند اساسی بین این دو مفهوم، رابطه یا هم‌سویی متقابل است. ازیک‌سو، بازیگران باید برنامه‌هایی را تدوین کنند و فعالیت‌های خاصی را در محدوده نقش‌های خود انجام دهند، که به‌نوبه خود هویت آن‌ها را تقویت، حمایت و تأیید می‌کند (Burke and Reitzes, 1981: 84)؛ ازسوی دیگر، هویت، چشم‌انداز یا چهارچوب مرجعی را برای تفسیر موقعیت اجتماعی، که نقش به بازیگر ارائه می‌کند، در اختیار بازیگر قرار می‌دهد؛ بنابراین، شکل (۱) تصویری تا حدودی اصلاح‌شده را ترسیم می‌کند:

هویت → رفتار → نقش

شکل (۱)

یک بازیگر رفتارهایی را در محدوده نقش انتخاب می‌کند؛ درحالی که این رفتار هم متأثر از هویت‌ها است و هم از آن‌ها بازخورد می‌گیرد و به‌تر است رابطه نقش‌ها و هویت‌ها را دوسویه بنامیم. فرایندی که نشان‌دهنده رابطه متقابل کارگذار و ساختار است. بسیاری از نویسنده‌گان تلاش می‌کنند از ویژه‌گی‌های مادی دولت‌ها _ مانند اندازه، قدرت نظامی یا عمل‌کرد اقتصادی _ فراتر رفته و دیدگاه‌های تصمیم‌گیرنده‌گان را در چهارچوب تفسیر آن‌ها از خودفهمی جمعی شهروندان دولت درک کنند. تصاویر ملی از خود به‌عنوان «بُعد مهمی از فرهنگ سیاسی» است، که «توسط عوامل آن فرهنگ منتقل می‌شود» (Kaplovitz, 1990: 47).

نقش → رفتار → هویت

شکل (۲)

چافتز، به ادبیات مفهوم نقش ملی استناد و استدلال می‌کند که ادراک نقش «دست‌گاه نظری برای گرفتن متغیرهایی مانند فرهنگ» است (Chafetz, 1996: 749). این نشان می‌دهد که فرهنگ، بخشی از مفهوم نقش ملی است. وقتی صحبت از نقش و هویت می‌شود، پیوند اصلی بین این دو مفهوم، متقابل یا مشروط است. بازیگران باید برنامه‌هایی را تدوین کنند و فعالیت‌های خود را در محدوده نقش‌های خود انجام دهند، که به‌نوبه خود هویت آن‌ها را تقویت، حمایت و اعتبار می‌بخشد (Burke and Ritz 1981: 8).

طرح اولیه هالستی مفاهیم نقش ملی را به شکل ذیل تعریف نموده است: مفاهیم نقش ملی عبارت از تعریف سیاست‌گذاران از انواع تصمیم‌های معمول، تعهدات، قواعد، و اقدامات مناسب برای دولت‌شان و عمل‌کردی که دولت‌شان باید به‌طور مستمر در نظام بین‌الملل و یا نظام‌های منطقه‌یی

انجام دهد. در واقع، مفاهیم نقش تصویر سیاست‌گذاران از جهت‌گیری‌ها و کارکردهای دولت‌شان نسبت به محیط خارجی و یا داخل خود آن محیط است (Hoslti, 1970: 245-6).

۴. سیاست خارجی ترکیه

از زمان تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، این کشور به طور سنتی مسیر غربی‌شدن را دنبال کرده است و این امر در آغاز مذاکرات الحاق برای عضویت در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ به اوج خود رسیده است؛ علاوه بر نگاه به غرب، اصول کلی سیاست خارجی ترکیه را می‌توان حفظ وضعیت موجود و تعادل بین کشورها و حفاظت از مرزهای فعلی توصیف کرد (Oran, 2002: 6). پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، در عرصه سیاست خارجی روی کرد و جهان‌بینی متفاوتی نسبت به دولت‌های قبلی بر نظام دیپلماتیک ترکیه حاکم شد. در واقع حزب عدالت و توسعه به‌عنوان یک حزب با سیاست اسلامی، سعی داشت در حوزه سیاست خارجی برنامه‌ها و راه‌بردهای متفاوتی را نسبت به دولت‌های قبلی، که سیاست سکولار داشتند ارائه دهد.

از آن زمان، سیاست خارجی ترکیه بر اساس اصل آتاتورک مبنی بر «صلح در داخل، صلح در جهان» استوار بود. در تفکر کمالیستی، منطقه خاورمیانه اولویت اول سیاست خارجی ترکیه نبود؛ بنابراین، ویژه‌گی مهم سیاست خارجی ترکیه، فاصله‌گرفتن از کشورهای منطقه و مسائل آن برای نزدیک کردن سیاست خارجی این کشور به غرب بوده است (Fuller, 2004: 52)؛ روی هم‌رفته، سیاست خارجی کمالیستی شامل صلح در خارج و داخل، هم‌کاری با غرب و عدم توجه به شرق و غرب آسیا بود (Altunışık, 2009: 185).

۴-۱. اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه در نوامبر ۲۰۰۲ با اکثریت قابل‌توجهی در پارلمان به قدرت رسید و پس از آن این حزب در نظام سیاسی ترکیه پیش‌رو بوده است. در این میان، این حزب علاقه زیادی به قدرت‌نمایی در سیاست خارجی و انگیزه‌های بلندپروازانه‌ی از خود نشان داده است. احمد داوود اوغلو نقش کلیدی در ارتقای سیاست خارجی ترکیه در دوران خود ایفا کرده است (Wanning & Kardas, 2011: 124). در این برنامه‌ریزی جدید، ترکیه برای ایفای نقش فعال ژئوپلیتیکی مناسب بود (Davutoğlu, A, 2001: 45-90). عمق استراتژیک به این معنا است که ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن کشور نشأت می‌گیرد؛ براین اساس، ژئوپلیتیک، هسته اصلی این دکتورین را تشکیل می‌دهد. داوود اوغلو در این دکتورین استدلال می‌کند

که ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود، دارای عمق استراتژیک است (Ibrahim, 2006: 112).

ترکیه در واقع تعریف جدیدی از خود و سیاست خارجی خود ارائه کرده و توجه خود را به خاورمیانه معطوف کرده است. تبدیل خاورمیانه به کانون تلاش‌های سیاست خارجی ترکیه نشان می‌دهد، که در سیاست جدید این کشور احساس هویت قوی وجود دارد. تلفیق این موضوع با تاریخ و جغرافیا و تجلی آن در دکترین عمق راه‌بردی باعث می‌شود، که ترکیه هدف خود را در خاورمیانه از تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌یی تغییر دهد و تبدیل شدن به یک قدرت مرکزی را در دستور کار خود قرار دهد و از همه فرصت‌هایی که در اختیار دارد استفاده کند (Nasr, 2006: 82).

داوود اوغلو با تأکید بر ظرفیت‌های ترکیه در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و هویتی، سیاست خارجی را تدوین کرد، که از ترکیه به‌عنوان یک کشور مرکزی در سیاست جهانی یاد می‌کرد. از نظر داوود اوغلو، سیاست خارجی ترکیه که یک کشور مرکزی با حوزه نفوذ در مناطق جغرافیایی متفاوت است، بر چندین اصل اساسی استوار بوده، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. به صفرسازدن مشکلات با همسایه‌گان؛

۲. سیاست خارجی؛

۳. تأکید بر اهمیت میانجی‌گری ترکیه در مناقشات منطقه‌یی و جهانی؛

۴. امنیت‌زدایی از سیاست خارجی: استفاده از ابزارهای قدرت نرم، مانند دموکراسی، وابسته‌گی متقابل اقتصادی و نفوذ فرهنگی. بر اساس این رویکرد، ترکیه بازیگری است، که می‌تواند با همه دولت‌ها و ملت‌ها تعامل و همکاری داشته باشد (Murrison, 2006: 42).

سومین اصل ذکر شده در بالا، یعنی تمایل ترکیه به میانجی‌گری، موضوع جدیدی در سیاست خارجی این کشور است؛ به عبارت دیگر، با ظهور حزب عدالت و توسعه، ترکیه به دنبال میانجی‌گری بین اسرائیل و سوریه، حماس و فتح، عراق و سوریه، ایران و قدرت‌های غربی، لبنان و عراق، روسیه و اوکراین بوده است؛ اما در مقایسه با سایر اصول سیاست خارجی دولت حزب عدالت و توسعه، که مشابه سیاست‌های دولت‌های قبلی ترکیه بود، قرار گرفتن آنکارا در مرکز تحولات جهانی در دوران پس از جنگ جهانی دوم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این میان دولت توانسته این اصول را به صورت جامع‌تری ارائه کند و از همه مهم‌تر فرصت‌هایی را برای اجرای آن فراهم کند (Uslu, 2009: 57). سیاست خارجی ترکیه با حفظ منافع کشورش در محیط متلاطم منطقه‌یی و بین‌المللی، که در آن قرار دارد، با هدف ایجاد شرایط مناسب برای صلح و توسعه پایدار و کمک به ایجاد منطقه‌یی پُر از صلح، رفاه و ثبات در محیط اطراف خود است. این تلاش‌ها در راستای آرمان مصطفی کمال آتاتورک مبنی بر صلح در داخل و صلح در جهان است. این تلاش‌ها پس از پایان جنگ سرد و

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی آغاز شد و روزبه‌روز افزایش یافت (https://www.mfa.gov.tr/synopsis-of-the-turkish-foreign-policy.en.mfa).

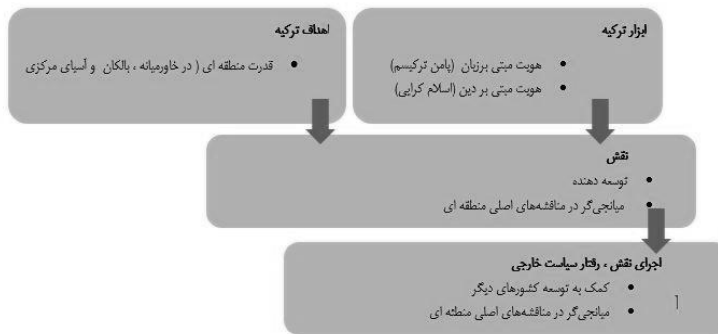
۴-۱-۱. مؤلفه زبان در سیاست خارجی ترکیه (پان‌ترکیزم)

پان‌ترکیزم، یک دکترین سیاسی مبتنی بر اتحاد مردمان ترک‌زبان است، که از دریای سیاه تا غرب چین، گسترش می‌یابد. این مورد، یک عنصر کلیدی در سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر بوده است. جست‌وجوی روابط دیپلماتیک، تجاری و امنیتی قوی، هم‌راه با استفاده از قدرت نرم، آنکارا را قادر ساخته است تا نفوذ خود را در سرزمین‌های ترک‌زبان گسترش دهد (Wallace, 2021). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آغاز دهه ۱۹۹۰، ایده پان‌ترکیزم به شدت گسترش یافت. با ظهور جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان، تفکر پان‌ترکیزم از مرزهای ترکیه عبور کرده و در منطقه انتشار یافت. در سال‌های اول پس از جنگ سرد، برخی از کمالیست‌ها تلاش کردند پان‌ترکیزم را بر اساس دکترین اوراسیایی مینا کنند و در قالب درگیری ترکیه با پیرامون خود جای‌گزین دکترین کمالیستی کنند. در همین راستا سازمان دولت‌های ترک یا سازمان کشورهای ترک، که شورای ترک هم نامیده می‌شود و پیش‌تر شورای هم‌کاری کشورهای ترک نام داشت در سوم اکتبر ۲۰۰۹ بنیان‌گذاری شد و یک سازمان بین‌المللی متشکل از پنج کشور ترک‌زبان و کشورهای مجارستان و ترکمنستان و اکراین به‌عنوان ناظر هستند. در سال‌های بعد و در زمان اربکان تلاش شد تا دیدگاه سیاست شرق در تعاملات منطقه‌یی و حتا بین‌المللی ترکیه در نظر گرفته شود. زمانی که حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱ به قدرت رسید، نوع‌مانی‌گرایی و توجه به عمق تاریخی و استراتژیک ترکیه مورد توجه قرار گرفت. به‌طور کلی، این نگرش‌ها نشان می‌دهند که در دوران پس از جنگ سرد، نخبه‌گان ترکیه معتقد بودند که ترکیه می‌تواند در مناطق خاصی از پیرامون خود به موقعیت هژمونیک دست یابد (حاجی مینه و دیگران، ۲۰۲۱: ۱۵۸-۱۵۹). از دیدگاه بورک و ریتز، ترکیه از منظر نظریه نقش جای‌گاه ویژه‌یی دارد. این کشور باید برنامه‌هایی را تدوین کند و فعالیت‌های خاصی را در حیطه وظایف خود انجام دهد، که به‌نوبه خود هویت پان‌ترکیزم را تقویت، حمایت و تأیید کند (Burke and Reitzes, 1981: 84). افغانستان نیز در مسیر کشورهای ترک‌زبان قرار دارد و سومین گروه قومی در افغانستان ترک‌تبارها هستند، که در شمال افغانستان زنده‌گی می‌کنند؛ بنابراین، برای تقویت و حفظ مناطق ترک‌نشین افغانستان در به‌ترین جای‌گاه قرار دارد؛ از سوی دیگر، هویت پان‌ترکیزم چشم‌انداز یا چهارچوبی برای تفسیر نقش ترکیه فراهم می‌کند. ترکیه رفتارهایی را در محدوده نقش توسعه‌دهنده و میانجی انتخاب می‌کند؛ درحالی که این رفتار هم متأثر از هویت خودش است و هم از آن‌ها بازخورد دریافت می‌کند و

به‌تر است رابطه بین نقش‌ها و هویت‌ها را دوطرفه بنامیم. فرایندی که نشان‌دهنده رابطه متقابل بین کارگذار و ساختار است.

۴-۱-۲. مؤلفه دین در سیاست خارجی ترکیه (اسلام‌گرایی)

میراث فرهنگی، بخشی از مفهوم نقش ملی است. وقتی صحبت از نقش و هویت می‌شود، پیوند اصلی بین این دو مفهوم، متقابل یا مشروط است یا چه (Burke and Ritz, 198: 84). ترکیه در بیش‌تر تاریخ معاصر خود، یک قدرت منطقه‌یی خاورمیانه بوده، که ترجیح می‌داد هویت منطقه‌یی و گذشته خود را رد کند تا این‌که به غرب و اروپا بپیوندد و هویت جدیدی برای خود ترسیم کند. سیاست خارجی ترکیه بر اساس اندیشه‌های سکولار و توسط رهبران جمهوری ترکیه شکل گرفت. زمانی امپراتوری عثمانی در حدود ۴۰۰ سال در رأس جهان اسلام بود؛ اما ترکیه جدید هیچ تمایلی به گذشته خود نداشت و به‌جای روی آوردن به فرهنگ، تاریخ و دین، که در میان همسایه‌گان خاورمیانه‌یی‌اش از نظر هنجاری، ایدئولوژیک و مادی شناخته شده باشد، راه دیگری را انتخاب کرد (Hale, 2000: P:136)؛ با این حال، علی‌رغم تعهد ترکیه معاصر به اتحادهای غربی و قصد آن برای پیوستن به اتحادیه اروپا، رهبران این کشور به‌طور فزاینده‌یی آگاه هستند که کشورشان در غرب به‌عنوان یک قدرت منطقه‌یی در خاورمیانه و جهان اسلام شناخته می‌شود. جهان، به‌ویژه در دوران سیاست خارجی پس از جنگ سرد، شاهد تلاش ترکیه برای ارائه تصویری از یک قدرت جهانی در حال رشد و درعین حال طرح ایده‌هایی در مورد جای‌گاه خود در منطقه‌یی گسترده‌تر است، که به دوران امپراتوری سابقش باز می‌گردد (مددلو، ۱۳۹۵: ۱۲۴). ترکیه کنونی با بهره‌گیری از عمق فرهنگی-تاریخی دوران عثمانی، خود را در مرکز ژئوپلیتیک و ژئوفرنگی دوران عثمانی تصور می‌کند؛ علاوه‌براین، مرزهای هویتی آن را نه در مرزهای ترکیه کنونی، بلکه در بیرون مرزهای آن و در مرزهای دوران عثمانی ترسیم می‌کند و بار دیگر به اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی در اهداف سیاست خارجی ترکیه اشاره می‌کند (همان: ۱۳۳). هویت پان‌ترکیزم و هم‌چنین استفاده از قابلیت‌هایی مانند قدرت نظامی، موقعیت اقتصادی و فرصت‌هایی مانند تنها کشور مسلمان عضو ناتو، باعث شده ترکیه برای خود نقش‌هایی را ترسیم کند. نقش‌هایی که شاید در گذشته بازی می‌کرد؛ اما حالا با اشکال و اهداف دیگری دنبال‌شان می‌کند. نقش‌هایی که ترکیه در این حوزه برای خود ترسیم کرده است، توسعه‌دهنده و میانجی‌گری بوده و برای رسیدن به این اهداف تدابیری را در سیاست خارجی خود قرار داده است. حضور متفاوتی در افغانستان نسبت به سایر کشورها داشت. با رسم شکل (۴) زیر می‌توانیم این روند را نشان دهیم:



شکل (۳)

۵. استراتژی ترکیه در افغانستان

بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ در ترکیه، حزبی با ریشه‌های اسلام‌گرا ضمن تثبیت قدرت خود دیدگاه نعثمانی را در سیاست خارجی خود، دنبال کرد، که براساس آن به اسلام و تاریخ امپراتوری ترکیه به‌عنوان ابزار قدرت نرم در سیاست خارجی اهمیت می‌دهد و میراث کمالیستی سکولار و دیپلماسی جمهوری را نفی می‌کند. ترکیه با دکترین داوود اوغلو خود را به یک بازیگر واقعی جهانی تبدیل کرد؛ به همین دلیل این کشور به یک بازیگر مرکزی تبدیل شده و به‌صورت جداگانه یا در قالب سازمان‌های منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی ایفای نقش می‌کند (Yavuz, 2022). در این‌جا به سیاست ترکیه به‌عنوان عضو ناتو و هم‌چنین سیاست این کشور خارج از ناتو پرداخته خواهد شد. علی بیلگه جانکورل (سفیر ترکیه در افغانستان، ۱۹۹۵ - ۱۹۹۷) در پاسخ به این سوال که استراتژی ترکیه در افغانستان چیست، اشاره کرده است که: «افغانستان از سال ۱۹۷۹ درگیر جنگ داخلی بوده است، ترکیه یکی از معدود کشورهایی بوده است که گفت‌وگوهای دیپلماتیک و سفارت خود را در همه زمان‌ها به جز سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ باز نگه داشته است و از ۱۵ اوت، ترکیه تنها کشور ناتو بوده است که افغانستان را ترک نکرده است. این به خودی خود گواهی بر نگرش مصمم ترکیه در سیاست ثابت خود برای حفظ گفت‌وگوهای دیپلماتیک با این کشور در سخت‌ترین شرایط است» (cankorel,5 jun 2022 Interwiev).

۵-۱. استراتیژی ترکیه به عنوان عضو ناتو

ترکیه پس از پیوستن به ناتو در سال ۱۹۵۲، یکی از مهم‌ترین اعضای ناتو بوده است. این کشور در مأموریت ناتو در افغانستان شرکت و از این کشور جنگ‌زده حمایت و برای صلح و ثبات نیز تلاش کرد. مولود چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه، در ماه مارس گفت: «ما همچنان به حفظ امنیت برادران و خواهران خود با سربازان خود در مأموریت ناتو ادامه می‌دهیم».

مشارکت ترکیه در مأموریت‌های ناتو در افغانستان شامل موارد زیر است:

در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱، نیروی بین‌المللی به رهبری ناتو (ISAF) برای حمایت و تضمین امنیت اداره دولت موقت افغانستان ایجاد شد. ۲۰ جنوری ۲۰۰۲ - ۱۰ فوریه ۲۰۰۳، ترکیه دومین دوره فرمان‌دهی آیساف را با ۱۳۰۰ کارمند از بریتانیا به دست گرفت. فوریه - اوت ۲۰۰۵، ترکیه رهبری ISAF-VII را درحالی که میدان بین‌المللی کابل را تحت کنترل و فرمان‌دهی ناتو اداره می‌کرد، به عهده گرفت. ترکیه در دوران رهبری خود ۱۴۳۰ کارکن نظامی و سه هلیکوپتر خدماتی را به افغانستان اعزام کرد. به گفته وزارت خارجه ترکیه، نزدیک به ۱۸۰۰ کارکن ترک در آیساف خدمت می‌کردند. نوامبر ۲۰۰۶، ترکیه تیم بازسازی استانی ترکیه (PRT) را در وردک، در نزدیکی کابل افتتاح کرد تا از تلاش‌ها در جهت امنیت و ثبات حمایت کند.

یک نوامبر ۲۰۰۹ - ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴، ترکیه فرمان‌دهی مرکز فرمان‌دهی منطقه‌یی کابل (RCC) را به صورت چرخشی با فرانسه و ایتالیا به عهده گرفت. در دوران رهبری خود، ۱۲۰۰ کارکن را به منطقه اعزام کرد.

دوم فبروری ۲۰۱۰، مرکز آموزش نظامی «غازی» با مشارکت نیروهای مسلح ترکیه، ارتش ملی افغانستان (ANA)، فرمان‌دهی نظامی کابل و آیساف برای آموزش افسران درجه‌دار و سربازان ایجاد شد.

۳۱ جنوری ۲۰۱۴، آیساف به رهبری ناتو پایان یافت.

یک جنوری ۲۰۱۵، مأموریت پشتیبانی قاطع (RSM)، یک مأموریت غیر جنگی، آغاز شد. جنوری ۲۰۱۹، قانونی که به دولت ترکیه اجازه می‌دهد برای حمایت از مأموریت حمایت قاطع به رهبری ناتو به افغانستان نیرو بفرستد، اجرایی شد. این قانون که اولین بار در سال ۲۰۱۵ تصویب شد، به دولت این اختیار را داد که اجازه دهد کارکنان ارتش خارجی از طریق ترکیه به افغانستان و از افغانستان منتقل شوند.

۱۶ دسامبر ۲۰۲۰، پارلمان ترکیه تمدید استقرار نیروهای ترکیه در افغانستان را به مدت ۱۸ ماه به

عنوان بخشی از مأموریت پشتیبانی ناتو تصویب کرد.

۳۰ مارچ ۲۰۲۱، سرتیپ ترکیه. جنرال سلجوک یورتسیزوغلو فرمان‌دهی قطار، مشاوره، کمک فرمان‌دهی پایتخت به رهبری ناتو را در کابل به عهده گرفت (Aydogan, 2021).

۵-۲. نقش ترکیه در توسعه منابع انسانی

پروفیسور بینگول در مورد فعالیت (Türk İşbirliği ve Koordinasyon Ajansı Başkanlığı) تیکا در افغانستان معتقد است که این پروژه‌ها توسط تیکا با تأیید دولت افغانستان انتخاب شده است. به‌ویژه پروژه‌ها و فعالیت‌های تطبیق‌شده پس از سال ۲۰۰۵ و کمک‌های اضطراری و بشردوستانه سهم قابل توجهی در توسعه اجتماعی - اقتصادی افغانستان داشته است. در سال‌های اخیر، کمک‌های انکشافی ترکیه به افغانستان سالانه حدود ۳۰ میلیون دالر بوده است. ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰، ۱۵۰ میلیون دالر به کمک‌های انکشافی افغانستان می‌کرده است (Bingul, 25, may, 2022, Interview). پروژه‌های پشتیبانی‌شده توسط تیکا عبارت‌اند از:

۱. مدرسه‌سازی و تهیه وسایل آموزشی، حمایت مستقیم آموزشی و کمک به دانش‌آموزان؛
 ۲. ساخت، تعمیر و نوسازی شفاخانه‌ها، کلینیک‌ها و سایر مراکز بهداشتی، دوا و تجهیزات پزشکی، کمک‌های مادی، خدمات بهداشتی مستقیم به مردم، کمپین‌های واکسیناسیون؛
 ۳. حفر چاه آب، تصفیه‌خانه، مخازن آب و ایجاد شبکه آب پاک؛
 ۴. ساخت سردخانه میوه و تره‌بار؛
 ۵. احداث مجموعه‌های ورزشی و زمین‌های بازی، محوطه‌سازی؛
 ۶. ساخت و تعمیر پل و راه؛
 ۷. طبقه بندی و محدود نمودن کمک‌های غذایی اضطراری.
- در این زمینه، تیکا بیش از ۱۳۰۰ پروژه و فعالیت در زمینه کشاورزی و دامپروری انجام داده است (www.tika.gov.tr).

۵-۳. روابط اقتصادی

به‌گفته هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه از دهه ۲۰۰۰، سیاست افغانستان نسبتاً پای‌دارتر شده است و این امر بر تجارت دوجانبه بین ترکیه و افغانستان تأثیر مثبت گذاشته است. این نهاد معتقد است که امنیت بزرگ‌ترین عامل تأثیرگذار بر تجارت دوجانبه است و بزرگ‌ترین پتانسیل آینده را در منابع طبیعی افغانستان به‌ویژه لیتیوم و طلا می‌بیند. تخمین زده می‌شود که افغانستان تقریباً یک تریلیون دالر ذخایر طلا و لیتیوم دارد و پس از آن نفت، زغال‌سنگ و گاز قرار دارند. سایر بخش‌های بالقوه معدن، داروسازی و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با ساخت‌وساز خواهند بود.

جدول (۱). روابط تجاری دوجانبه ترکیه و افغانستان

	2015	2016	2017	2018	2019	2020 (January- November)
صادرات	166.065	149.543	176.879	152.808	156.475	174.848
واردات	15.211	14.919	21.832	24.616	24.053	24.377
ظرفیت	181.276	164.462	198.711	177.424	180.528	199.225
وازنه	150.854	134.624	155.047	128.192	132.422	150.471

منبع: TURKSTAT

ده کالای صادراتی ترکیه به افغانستان عبارت‌اند از: روغن آفتاب‌گردان، پوشاک، تنگ‌های شکاری، مخازن ذخیره فولاد، قطعات هواپیما، لولا، روغن جواری، دوا، تجهیزات الکتریکی و لباس زنانه.

ده کالای صادراتی برتر افغانستان به ترکیه عبارت‌اند از: کشمش، دانه‌های دیگر، پوست حیوانات، بادام، فرش دست‌بافت، گیاهان طبی، روده حیوانات، زیره سبز، مغزگردو، زعفران (https://www.deik.org.tr/uploads/afghanistan-ulke-bulteni.pdf).

۵-۴. نقش ترکیه به‌عنوان میانجی در افغانستان

صلح در افغانستان برای ترکیه بسیار مهم است و منافع ترکیه در یک افغانستان با ثبات تأمین می‌شود؛ اگرچه افغانستان با ترکیه مرز ندارد؛ اما جنگ و ناامنی در افغانستان تأثیر مستقیمی بر ترکیه داشته است. ترکیه در گذشته نقش میانجی را در تنش‌های بین افغانستان و همسایه‌گانش از جمله اختلافات مرزی ایران و افغانستان در دهه ۱۹۶۰ ایفا کرده است. تلاش‌های اخیر ترکیه برای صلح به سال ۱۹۹۷ باز می‌گردد؛ زمانی که برای برقراری صلح بین قندهار، پاکستان و مزار شریف (ائتلاف شمال) انجام داد، این مأموریت شکست خورد. ترکیه در حال حاضر نقش سازنده‌یی را در جست‌وجوی راه‌ها و ابزارهای بهبود روابط افغانستان با جامعه بزرگ‌تر جهانی، از جمله تلاش‌ها برای بازسازی و بهبود حقوق بشر در کشور، به‌ویژه در مورد زنان و کودکان، دنبال می‌کند (Cankorel, 2022: interview).

اظهارات رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در دسامبر ۲۰۱۵ مبنی بر این‌که «مشکلات افغانستان مشکلات ما است و موفقیت آن‌ها موفقیت ما است»، احساس مسؤولیت تاریخی را برجسته کرد که الهام‌بخش تلاش‌های ترکیه برای تسهیل ثبات در افغانستان بوده است. این نقش میانجی با اهداف ترکیه در خاورمیانه و منطقه آسیای مرکزی پس از شوروی هم‌سو شده است؛ به‌ویژه، تلاش‌های ترکیه برای تحت فشار قراردادن ناتو برای پذیرش راه‌حل سیاسی جامع در افغانستان

می‌تواند به تقویت اتحاد رو به رشد آنکارا با قطر و روسیه کمک کند. طرح صلح ترکیه برای میانجی‌گری در افغانستان شامل چندین عنصر بوده است: آشتی در جامعه افغانستان، پُر کردن شکاف میان افغانستان و پاکستان، و تقویت همکاری‌های منطقه‌یی بین افغانستان و همسایه‌گانش (Aras, 2012: 6-8).

برای آشتی ملی در افغانستان در سال ۲۰۱۲، ترکیه از مقامات ارشد طالبان دعوت کرد تا در مورد آینده سیاسی افغانستان گفت‌وگوهای غیررسمی انجام دهند. در ادامه مذاکرات دوجانبه بین ترکیه و افغانستان در سال ۲۰۱۰ در مورد ایجاد دفتر طالبان در آنکارا، انجام شد. برای پُر کردن شکاف میان افغانستان و پاکستان، و تقویت همکاری‌های منطقه‌یی بین افغانستان و همسایه‌گانش روند قلب آسیا طراحی شد (Ramani: 2018).

۵-۴-۱. روند قلب آسیا - استانبول

در دهه‌های اخیر، درگیری‌های زیادی وجود داشته است. ابتکارات پیش‌نهادشده توسط قدرت‌های بین‌المللی، از جمله ۶ + ۲ (همسایه‌گان افغانستان به علاوه ایالات متحده و روسیه) و گروه هم‌آهنگی چهارجانبه (افغانستان، پاکستان، چین و ایالات متحده) در دو سال گذشته از آغاز گفت‌وگوهای ایالات متحده با طالبان، گفت‌وگوها و محافل متعددی برای افغانستان برگزار شد؛ باوجود علاقه بین‌المللی و اظهار حمایت از صلح در افغانستان، هیچ‌یکی از این ابتکارات اقدام ملموسی نداشته است. هیچ سازوکار منطقه‌یی واحدی برای حمایت از صلح در افغانستان وجود نداشته، که نگرانی‌هایی را به‌ویژه با توجه به وضعیت روابط ایالات متحده برای بازیگران منطقه‌یی، از جمله ایران، هند، روسیه؛ و به‌ویژه ترکیه، برانگیخت.

۶. مناقشه

ترکیه کشوری است که پیوندهای زبانی و فرهنگی عمیقی با افغانستان دارد و به‌عنوان یک متحد دیرینه، در سال‌های اخیر روابط خود را با کابل به میزان قابل توجهی افزایش داده است. آنچه در مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها، تحت عناوین متفاوتی تا حدودی به استراتژی ترکیه در بخش‌های مختلف در افغانستان اشاره شده است؛ اما در کل تمام این‌ها برای تبیین روشنی از استراتژی آن کشور در افغانستان کافی نیست؛ روی‌هم‌رفته بررسی ادبیات تحقیق در این حوزه نشان می‌دهد، که از کاستی‌های این نوشته‌ها عدم مطالعه نقش ترکیه در افغانستان از منظر تیوریک است؛ آنچه در تحقیق حاضر حائز اهمیت بود، بررسی دو نقش توسعه‌دهنده و میانجی بر اساس نظریه نقش بود، که باتوجه به عمل‌کرد ترکیه در افغانستان تبیین شد؛ و به روشنی بیان کرد که ترکیه از کدام راه‌ها و

برای چه اهدافی به دنبال موقعیت و جای‌گاه در افغانستان است. آن‌چه مسلم است، این است که هرچه به قدرت منطقه‌یی یک کشور افزوده شود، تأثیرگذاری آن کشور در منطقه افزایش یافته و در معادلات سیاسی دست برتر را خواهد داشت. حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزبی با سیاست اسلامی قصد داشت در حوزه سیاست خارجی برنامه‌ها و راه‌بردهای متفاوتی ارائه دهد.

آنکارا در بخش‌های کشاورزی، حمل‌ونقل و ترانزیت دست‌آوردهای خوبی داشته و این دست‌آوردها را در اختیار افغانستان قرار داده است. انتقال این تجربیات در توسعه و تسریع روند بازسازی کشور مفید است؛ علاوه‌بر روابط سیاسی دو کشور، پیشینه فرهنگی دو کشور نیز از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است. ترکیه کمک‌های قابل‌توجهی در بخش آموزش ارائه کرد و ادامه این کمک‌ها باعث شد، که افغانستان در زمینه منابع انسانی به نتایج خوبی دست یابد. آنکارا از ایجاد آینده به‌تر و افغانستان با ثبات حمایت کرد؛ آن‌چه باعث پذیرش نقش میانجی‌گری شد، شرایط خاص و منحصربه‌فرد ترکیه است. ترکیه تنها کشور مسلمان عضو ناتو است. از یک‌سو روابط قوی با جهان غرب دارد؛ از سوی دیگر حزب اسلامی حاکم از جای‌گاه مطلوبی بین دولت افغانستان و گروه‌های سیاسی و مردم افغانستان برخوردار است. آن‌چه باعث کاستی این تحقیق بود، عدم دسترسی کامل به منابع ترک بود؛ چرا که دیدگاه روشن‌فکران ترکیه از اهمیت بالایی در زمینه برخوردار است؛ هم‌چنین در این تحقیق صرفاً دو بعد از نقش‌های ترکیه بررسی شد.

۷. نتیجه‌گیری

پس از روی‌کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تحولی اساسی در حوزه سیاست خارجی ترکیه ایجاد شد و جهان بینی متفاوتی نسبت به دولت‌های قبلی بر نظام دیپلماتیک ترکیه حاکم شد. این حزب برای ایفای نقش فعال در منطقه، روی‌کرد شرق را به‌عنوان موازنه به سیاست خارجی خود اضافه کرد. این تغییر در سیاست خارجی ترکیه باعث تعریف نقش‌های جدیدی شد. روابط قوی دیپلماتیک، تجاری و امنیتی، هم‌راه با استفاده از قدرت نرم، آنکارا را قادر سازد تا نفوذ خود را در این سرزمین گسترش دهد؛ در این میان تیوری نقش، ابزارهایی برای توضیح سیاست خارجی ترکیه را در این دوره فراهم کرد. در افغانستان دو نقش را می‌توان برای ترکیه با توجه به عمل‌کردش برشمرد: یکی به‌عنوان توسعه‌دهنده در توسعه سیاسی و امنیت افغانستان و دیگری به‌عنوان میانجی در روند صلح.

با کمک ابزارهای نظریه نقش می‌توان نقش‌های دولت آنکارا را مشخص کرد. هویت بان‌ترکیزم، میراث فرهنگی امپراتوری عثمانی، موقعیت استراتژیک ترکیه و ارتباط این کشور با سازمان‌های منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی، از ترکیه چهره بازیگری فعال و توان‌مند را به نمایش گذاشته است.

با عملیات ناتو در افغانستان، ترکیه این فرصت را پیدا کرد تا در عملیات مبارزه جهانی علیه تروریسم شرکت کند. حضور اقلیت ترک‌زبان در افغانستان و نزدیکی آن به آسیای مرکزی، آنکارا را در سال‌های اخیر به افغانستان علاقه‌مند کرده است. با توجه به اهمیت استراتژیک افغانستان در آسیای مرکزی، ترکیه علاقه خاصی به توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با این کشور دارد و از این رو تلاش می‌کند از هر ابزاری در این زمینه استفاده کند. ترکیه با شرکت فعال در کنفرانس بن و هم‌کاری با دولت رسمی مستقر در این کشور و کمک به روند ثبات سیاسی در این کشور کمک مؤثری در بازسازی و توسعه مناطق مختلف افغانستان کرده است.

یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی ترکیه میانجی‌گری است که سابقه طولانی دارد. با میانجی‌گری در حل مسائل منطقه‌یی و جهانی تلاش می‌کند تا به یک بازیگر فعال در منطقه تبدیل شود. میانجی‌گری در مناقشات افغانستان نشان داد که سیاستمداران این کشور در تحقق این امر مصمم هستند تا با این اقدامات به بازیگری فعال و پویا در صحنه معادلات منطقه‌یی و بین‌المللی تبدیل شوند.

ORCID

Dr. Rahmat Hajimineh (Ph.D)



<https://orcid.org/0000-0002-1225-9541>

Shirin Tajik



<https://orcid.org/0009-0000-8010-9206>

سرچشمه‌ها

- آریانفر، عزیز. (۱۳۸۳). افغانستان و جهان، یک کشور آسیایی، آفریقایی و استرالیایی. ج اول. کابل: مرکز اطلاعات استراتژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان.
- گوهری‌مقدم، ابودر؛ مددلو، رامین. (۱۳۹۵). «نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه». ایران: پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۵(۱۷)، ۱۲۱-۱۴۳. <doi: 10.22054/qps.2016.4350>.

- Altunışık, M. B. (2009), "Worldviews and Turkish Foreign Policy in the Middle East", New Perspectives on Türkiye, P:40.
- Aras, B. (2012). Example of Türkiye's Mediation: Afghanistan Case. Center For Strategic Research.
- ATASE, ATAZB, K:38, G:17, B:17-1, Onis, Z. (2007). Turkish Politics in a Changing World Global Dynamics and Domestic Transformation. University Press
- Aydın, M, Gürçan, M, CMI Report R 2019, Turkish foreign policy: Structures and decision-making processes^۳:
- Aydoğan, M, 2021, Türkiye's long involvement in NATO mission in Afghanistan, <https://www.aa.com.tr/en/asia-pacific/turkey-s-long-involvement-in-nato-mission-in-afghanistan/2279062#:~:text=After%20becoming%20a%20member%20in,and%20stability%20for%20some%20time>.
- Bayur, H. (Nisan-1948). Nadir Şah Afşar'ın Ölümünden Sonra Osmanlı Devleti'ni İran'a Kışkırtmak İçin Yapılan İki Deneme. Belleten, C.7, Sayı:46.

9. Bingul, O (25, may,2022) interview.
10. Breuning, M, (2011), Role theory research in international relations State of the art and blind spots,17-37
11. Burke, P.J. & Reitzes, D.C. (1981) "The Link between Identity and Role Performance," Social Psychology Quarterly, 44(2): 84.
12. Cankorel, B, (5 jun 2022), Interview.
13. Chafetz, G., Abramson, H., and Grillot, S. (1996) "Role Theory and Foreign Policy: Belarussian and Ukrainian Compliance with the Nuclear Nonproliferation Regime," Political Psychology, 17(4): 733.
14. Cupolo, Diego (2021), "Under Biden, US-Turkiye Relations Face Delicate Balancing Out", Al-Monitor, 20 January 2021, <https://www.al-monitor.com/originals/2021/01/turkey-us-biden-relations-nato-s400-syria-erdogan-blinken.html>
15. Davutoğlu, A, (2001), Stratejik Derinlik, (İstanbul: Küre, 45-90).
17. East, M.A. (1973) "Size and Foreign Policy Behavior: A Test of Two Models," World Politics, 25(4): 556-76.
18. Fuller, G, (2004), "Turkiye's Strategic Model: Myths And Realities", Washington Quarterly, Vol. 27, No. 3. pp. 52.
19. Gönlübol, M. S. (1990). Atatürk ve Türkiye'nin Dış Politikası (1991-1938). Ankara: Atatürk Araştırma Merkezi Yayını, s.20
20. Hale, William , Turkish Foreign Policy 1774-2000 (London: Frank Cass Press, 2000).
21. Halil, B. (2002). "Afganistan-Türkiye İlişkilerinin Başlıca Yönleri", Afganistan Üzerine Araştırmalar, Ali Ahmetbeyoğlu (der.) , İstanbul, Tarih ve Tabiat Vakfı (TATAV) Yay., s.276.
22. Hollis, M. and Smith, S. (1990) Explaining and Understanding International Relations, Oxford: Clarendon Press.
23. Holsti, K. (1970). National role conceptions in the study of foreign policy. International Studies Quarterly,, 14(3), 233-309.
24. <http://www.heartofasia-istanbulprocess.af/h>
25. https://en.wikipedia.org/wiki/Organization_of_Turkic_States
26. <https://web.archive.org/web/۲۰۱۶۰۱۰۳۰۴۲۵۵۲>
27. <https://www.hoa.gov.af/political-consultation/ministerial-conferences.htmlurl۱> ،
28. <https://www.hoa.gov.af/political-consultation/ministerial-conferences.htmlurl۱> ،
29. <https://www.mfa.gov.tr/synopsis-of-the-turkish-foreign-policy.en.mfa>
30. <https://www.deik.org.tr/uploads/afghanistan-ulke-bulteni.pdf>
31. https://www-aa-com-tr.translate.goog/en/asia-pacific/Turkiye-s-long-involvement-in-nato-mission-in-afghanistan/2279062?_x_tr_sl=en&_x_tr_tl=tr&_x_tr_hl=tr&_x_tr_pto=sc
32. Kaplowitz, N. (1990). National self-images, perception of enemies, and conflict strategies: Psychological dimensions of international relations. *Political Psychology*, 11(1), 39-82
33. Kaya, K. (2013). Türkiye's role in Afghanistan and Afghan stabilization. *Military Review*, p:23.
34. Kültür Bakanlığı Yayınları, 1981, Atatürk'ün milli dış politikası: Milli mücadele dönemine ait 100 belge, 1919-1923. 1,
35. Murrison, A. (2006), Strategic doctrine of Turkish foreign policy, Middle Eastern studies, V, 42
36. Nabers, Dirk, 2011 , Identity and role change in international politics,P: 82
37. Nasr, V. (2006), "The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future" the Voice for Ethnic Carnegie Council for Ethics in International Affairs

38. Onis, Z. (2007). *Turkish Politics in a Changing World Global Dynamics and Domestic Transformation*. University Press.
 39. Oran, B. (2002), *Türk Dış Politikası, Kurtuluş Savaşından Bugüne Olgular, Belgeler, Yorumlar*, Cilt I, 6. Baskı, İletişim Yayınları: İstanbul
 40. Özlü, H. (2012). "Türk-Afgan Dostluk Ve İşbirliği Anlaşması" Kapsamında. *Uluslararası Avrasya Sosyal Bilimler Dergisi* Yıl:3, Sayı:8, 32.
 41. Ramani, Samuel, (2018), Can Turkey position itself as the most effective mediator in afghanistan? <https://www.trtworld.com/opinion/can-turkey-position-itself-as-the-most-effective-mediator-in-afghanistan--15883>
 42. Uslu, E. (2009), Ahmet Davutoglu: The man behind Turkey's assertive foreign policy, *Eurasia Daily monitor*, V.6, N.57
 43. Wallace, H, (2021), With NATO and pan-Turkism in mind, Turkiye makes its move in Afghanistan, *Tactics Institute* <https://tacticsinstitute.com/eurasia/with-nato-and-pan-turkism-in-mind-Turkiye-makes-its-move-in-afghanistan/> Tactics Institute
 44. Wanning , M & Tuncay k. (2011). "Impact of changing Islamic identity on Turkiyes new foreign policy. *Turkish journal of international relations*, summer-fall, N.2 _
 45. Wendt, A. (1999) *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
 46. Wish, N.B. (1980) "Foreign Policy Makers and National Role Conceptions," *International Studies Quarterly*, 24(4): 532-54.
 47. Yavuz, M. H, (2020) The Neo-Ottoman Foreign Policy of the AKP Pages179-202 <https://doi.org/10.1093/oso/9780197512289.003.0008>.
-
-